

خبر ناگهانی بود و شوک آور؛ ناصر طهماسب - صدای ماندگار تاریخ دوبله ایران - به خاک سپرده شد.

زندۀ نایب ناصر طهماسب در حالی در سکوت ببری بستری شد. فوت کرد و در خاک رفت که سال‌ها یکی از مطرب‌ترین گویندگان ایران بود و دو شب قبل (۱۵ مصداق فارسانه‌ای‌اش خبرین) از دستش در دوختنامه شش‌نوازه اسحق حقیقت جایزه برنده شده بود. او را در تهران تولد شد و از اوایل «م» ۱۹۶۸ هـ. ق. طهماسب، ۱۳۳۰ فعالیت حرفه‌ای خود را در تهران آغاز کرد. طهماسب، به‌تجربه خاصی در فرم‌های نقش‌ای و مختلف و تقلید تپه‌ها و دیوارها و گوناگون داشت. او در اواخر دهه ۴۰ به عنوان مدبریت و دوبلر فیلم‌ها نیز فعالیت می‌کرد. طهماسب از کودکی علاقه فراوانی به سینما داشت. او می‌گفت: زمانی که اسرار حرف‌های فیلم را می‌فهمیدم، احساس می‌کردم که ایندها چه می‌شود. فراموش نمی‌کردم که ساخته و منتظر می‌باشم تا اینها فارسی شود.

در پیرونده کارهای طهماسب گویندگی در قلیله‌های مطرحی به جای بازگیران بزرگی به چشم می‌خورد. او مدیر دولتی سرپال‌های ایرانی‌ای مثل جلال‌الدین، قاب‌های خالی و قلیله‌های سیمانی است. مسافری، پاییز بلند، سفر گل‌های داوودی را دارد. اما نگارنده هم یاد خود دارد. طهماسب در زمینه انجمن‌شناسی آن زمان به‌یادماندن از خود بر جای گذاشت که یوکی و دوستان و بازاریابان از جمله آنهاست. طهماسب درباره بازگیر و نقش دولتی‌ها در این زمینه می‌گفت: بازگیر باید قادر باشد تماشاگر رافع کند.

نمی‌شود. هرنمندی چون رابرت دنیزرو در هالیوود و یکی از آبراهای این فتح، بیان است؛ در غیر این صورت موفق نمی‌شود. صد ساله‌ای که می‌تواند استیجاری کند، اگر آنتونی کوئین یا یک رابرت استیجاری باشد، بازهم این مسیر خراب می‌شود. برای همین خیلی از بازیگران که به جای خود حرف می‌زنند، موفق نمی‌شوند. تنها گروهی که موفق می‌شوند که منظم‌ترین ذهن‌ها را دارند و هم‌طور دارای حافظه‌ای هستند؛ چنان‌که هر کار باید بد ۵۰ موضوع یادشان باشد. در دوبله، تمرکز مهم‌ترین اصل است. و متأسفانه تمرکز دوبله‌واری ما در حال حاضر به‌هم‌ریخته است.

[illegible]

به کارگردانی حمید کرخانی سال ۱۳۷۱ ساخته شد و فیلمنامه فیلم سینمایی «زن امروز» را به همراه مجید قاری زاده در سال ۷۵ نوشت. با فوت ناصر طهماسب یکی دیگر از هنرمندان بزرگ ایران از دست دادیم اما خاطراتی که طهماسب با تخریب و صدای رازآلود و منحصربه فردش برای مان ساخت، هیچگاه از یاد نمی رود و در قلب و جان ما شسته است؛ تنها صداست که می ماند.

پی نوشت: نقل قول ها
از کتاب «سرگذشت
دوبله ایران» نوشته
اکبر منانی برداشته
شده است.



موجب تاسف و تألم اینجانب شد. این هنرمند ارزنده که ستاره ای درخشان و ماندگار در هنر دوبله بود با صدای منحصر به فرد خود طی سال ها فعالیت هنری در کارهایی برجسته هنرمایی و بالحن های متفاوت به جای شخصیت های معروف و نام آشنای سینمای جهان صدایشیگی کرد. او با روحیه ای که داشت هنرمندان فراوانی را پرورش داد و الگوی بسیاری از گویندگان و مدیران دوبله این سرزمین شد.

دیدنی و شنیدنی شدند. فقدان این چهره تاثیرگذار هنر دوبله را به خانواده آن مرحوم، دوستان و جامعه هنری تسلیت می‌گویم.»

محسن برههانی معاون نیز در پیامی درگذشت ناصر طهماسب دویلور توانا و پیشکسوت کشورمان را تسلیت گفت.

در بخشی از متن پیام معاون سیما آمده است: خبر درگذشت «ناصر طهماسب» از هنرمندان پیشکسوت و برجسته تلویزیون

حنجره جادویی آقای خاطره ساز



او در خصوص ویژگی‌های کاری و شخصیتی مرحوم طهماسب به جام جم می‌گوید: اوگونیبد بسیار خوب و از مهره‌های اصلی این ژانر بود. متأسفانه هشتم که گل‌های این حوزه را از دست می‌دهیم. خوابانی مثل مرحوم جلیوند و خانم کاطمی و حالا هم ناصر طهماسب را از دست دادیم. وی ادامه می‌دهد: ایامودرام نسل‌ی که جای ما می‌گیرد، روحیه‌ای را داشته باشد که روح کار دوبله را حفظ کند. این طور نباشد که مثل دوبله‌های یروزمینی فقط یک چیز را بگیرند و گذرکنند. به نظر من طهماسب از باهوش‌ترین و خوش‌صداترین این این حرفه بود که تکرار شدنی نیست.



سعید مستغنی، منتقد هم‌در
خصوص شخصیت مرحوم
ناصر طهماسب در یادداشتی
رفضی‌ماند مجازی این‌طور گفته
است: شاید بیش از ۳۵ سال
پیش بود که همیشه ساعت خاصی از خیابان مقابل
خانه پدری‌ام پیاده و تنها عبور می‌کرد. خانه‌اش همان
روبه‌رو بود. اما ما یک اشتراک دیگر هم داشتیم؛ او
فرد تانوس قهوه‌ای داشت و مردم هم پدرم یک فرد
گورتینای قرمز رنگ. صدای ناصر طهماسب را از
سال‌های دورتر به خاطر داشتم؛ از اشیای فیلم «برباد
رفته» تا نام هنری (فاندا) «موشه‌ها خشم» و کلانتر
کین (گری کوبر) فیلم «صده‌ظهر» و لوئیس دگا داستان
هافمن («بایبون» و مک مورفی) «پرواز بر فراز آسمان
فاخته» و ریگ (همفری بوگارت) فیلم «رازلانکا با کسنترا

از معدود اسطوره‌های دوبله بود

اکبر منانی، دوبلور و مدیر ویلاژی است که در کارهای زیادی با مرحوم طهماسب همراه بوده. او معتقد است که ناصر طهماسب از معدود اسطوره‌های



حوزه دوبله بود. منانی در گفت‌وگو با جام جم می‌گوید: من فیلم و سریال‌های زیادی با مرحوم طهماسب کار کرده‌ام و دوم به نظر او در میان سه چهار اسطوره برتر این کار است. بی‌نظیر بود و اقلاف افسوس می‌خورم که دیگر نیست. به نظر افرادی مثل منوچهر زمانی، محبی، افضل‌ی و مرحوم طهماسب، جزو اسطوره‌های این حوزه بودند که کار تپ با او خلافت انجام می‌دادند. مرحوم طهماسب انسان درونگرا و کم حرفی بود و کمتر با افراد صمیمی می‌شد. اما بسیار مهربان بود. خیلی وقت بوداز او خبر نداشتم اما تلفن زدم و حالش را پرسیدم. منانی می‌گوید: درگذشت او را شنیدم خیلی ناراحت شدم و وقتی می‌دیدم فقدان مرحوم طهماسب در حرف‌های من می‌جنگد. او از نظر شخصیت کار و هنری بی‌نظیر بود. کار مدیر دوبلاژی‌اش هم بی‌نظیر بود. این دوبلر پیشکسوت خاطره‌هایی که از مرحوم طهماسب دارد هم این طور تصریح می‌کند: او فرد خوش‌سری بود. این طور نبود که عصبی شود. خوش‌رو و مباحث بود و به همه می‌آموخت. به نظر من هیچ‌کس بی‌نظیری بود. بسیار خوش اخلاق و با مدارا بود و هیچ حسادت و عقده‌ای در خود نداشت. البته کار دوبله هم‌اش خاطره‌است.



سعید مظفری از دیگر
دوبلورها و مدیر دوبلاژهای
برجسته‌ای است که در چند
اثر، همراه مرحوم
ناصر طهماسب بوده است.

برای همه آنهایی که
اختتامیه جشنواره

سینما حقیقت را تماشا می‌کردند، شنیدن خبر برگزیده شدن ناصر طهماسب که چند ساعت قبل از آن چشم از جهان فروسته بود، درناک‌ترین خبر بود. جایزه بهترین گوینده گفتار متن برای گویندگی در مستند «می ۱۹۶۸» به ناصر طهماسب رسید که به نوعی آخرین کارش بود. او در سال‌های اخیر گویندگی در مستندهای تاریخ انقلاب بسیاری ازجمله یادگار ماندگار، روزهای انقلابی، بعد از توفان، روایت رهبری و رمز و راز مله هم در کنار نامه خدایت کرده بود.

بعد از درگذشت ناصر طهماسب دوبلور پیشکسوت، جریانی که پیش از این در ماجرای درگذشت پروانه معصومی و تقدیم جبهه شهاب حسینی به امام زمان (عج) انتشار پیدا کرده بود تا فتنه گر و یا به دیگران تحمیل و به نوعی نقیض عقاید اهل‌عالم (که در زیرست‌های مربوط به درگذشت این دوبلور پیشکسوت، حملات کلامی عجیبی از خود نشان دادند. عجیب آنکه، در میان این هتاکان، نام برخی هنرمندان هم دیده می‌شد. البته در مراسم جایزه جشنواره حقیقت احسان ای با دریافت جایزه مرحوم ناصر طهماسب در اختیامی جشنواره فیلم مستند ایران گفته بود: آقای طهماسب را برابر هیولای نطق‌کش شبه روشنفکری ایستاد و شخصیتی بزرگ بود. گزارش پیش‌رو، یادنامه جام جم برای این هنرمند فقید، در گفت‌وگو با همکاران اوست. مرحوم ناصر طهماسب با آن صدای جادویی که داشت، در آثار ماندگار تلویزیونی صداییهائی کرده بود؛ از آثار معروف سینما که در دیوبله روانه‌اش شد تا برخی کارتون‌های خاطره‌انگیز.

برای دیدن و شنیدن
بخش‌هایی از
هنرمندی مرحوم
طهماسب کیوآرکدها
را اسکن کنید

A close-up portrait of actor Kwon Sang-woo. He has dark hair, a mustache, and a goatee. He is wearing a dark, patterned jacket over a dark shirt. The background is dark and out of focus.

شبکه تماشا سریال «امپراطور افسانه‌ها» را پخش می‌کند که محصول ۲۰۱۰ کره جنوبی و در ژانر تاریخی است.

در خلاصه این سریال آمده، سال ها بعد از پیروزی جومونگ و فتح سرزمین گوگوریو به دست او و ده گوگوریو اختلاف جدی پیش می آید. جومونگ که از خشمگین شده، او را از کشور بیرون می کند و...
سخت مخاطبان در تدارک دوبله سریال « جامیونگ گو »
نگ و نوادگانش را به تصویر می کشد.

زمانه‌ای موهیول بر گویویی می‌پردازد و زمانی را نشان می‌دهد که در آن روزانه مردمانش دچار مشکل شده و هودانگ برای تأمین آذوقه مردم چشم به سرزمین‌های این سرزمین‌ها ناگه ناگه است که پادشاهی آن به ناگه کرده و جنگ بین خانواده‌های دو فرمانده برای تصاحب

قربانیان معاونت فرهنگی هیتلر!



سجاد بلوکات در صفحه شخصی خود در فضای مجازی درباره حملات کلامی صورت گرفته به مرحوم ناصر طهماسب، نوشته است: شبیه هم نیستند؛ دو نفر از این عکس، فوت شدند، دو نفر زنده هستند. یکی دیولو بود، یکی خواننده است؛ یکی شبیه انقلابی است، یکی مقداری، یکی اصلاً در این وادی سیاست نیست. آن یکی منتقد است اما همگی زخم خورده اند؛ زخم خورده از جریان جدیدی که در فرهنگ کشور هم شلوک هلمز است و خیلی دقیق مو را از ماست بیرون می کشد و هر کسی فقط مقداری شبیه اش فکر نکند ارگال می کند. گفتیم ارگال، یادمان افتاد اینها این قدر از جوانمردی دور شدند که به جنازه بی جان هنرمند هم لگد می زنند.

جدیدا البته مد مد شده، قدیم این قدری
خوی ایرانی هنوز در تن شان بود که
وقتی فردی قوت می شد، حتی گناه
کرده را با جمله «خدا رحمتش کند،
دستش از دنیا کواست» می بخشیدند
و ما چرا را اینجامه چرا ما جدیدا
از وقتی اینجا می چرخد یک کدک شده
غیراوقات! ارمندان معاونت فرهنگی
هتل را هیچ چیزی نمی گذرند، حتی
جسم بی جان اموات!
وی عنوان کرده است: داشتم می گفتم
اسامی حاضر در این عکس، مشتکی
نمونه خروار از زخم خورده های جریانی
هستند که با وقتش ریش گذاشتند،
و وقتش را می دادند، به وقتش را
ندادند، به وقتش ناباورینوین همکاری
کردند، به وقتش سبزی می رسیدی
پوشیدند، به وقتش بنفش روحانی

شدند، به وقتش روضه خوان مرحومه مهسا امینی شدند، به وقتش بول آنتنای از بزرگراه کیفی و اختلاس مالیده سینما و شبکه خانگی گرفتند اما اگر چاووشی برای امام علی (ع) بخواند می شود حاکمیتی و باید در دوتاه دعوی امنیتی و نژادی او، و از لگد مال کرد. اگر شهاب حسینی به دیدار رهبری برود تا سال ها می شود شهاب دولتی و در هر جای این قدر باید به او تاخت تا دکمه غلط کردم را بزنند. خواننده محبوب شان تهاجم صالحی هم در شعر خودش به او بتازد و رنگ آمیزی اش کند. اگر بیرونه معصومی رفتی شد، به جمعیت تشییع از بختی و گویوی علایت تشییع از حکومت. یا آن گویو آبها در حالی که پاپول دستگاه های امنیتی

**خاطراتی که
فراموش نمی شود**



برای خواندن متن کامل
کلیک کنید

— ۵ —

الک گینس (لورنس عربستان)
همفری بوگارت (کازابلانکا)
داستین هافمن (پاپیون)
جانی سکا (محمد رسول...)
کوین اسپسی (هفت)
بهزاد جوانبخش (تاراج)